

رویکرد استرالیا:

کدام نوع دانش ارزشمندترین است؟

مر تفضی خلخالی

نیاید همه جا یکسان و یک نواخت باشد، بلکه باید از یک مدرسه به مدرسه ای دیگر و از یک منطقه به منطقه دیگر تغییر کند.

یک امتیاز این کار برای کشور آن است که ایجاد تنوع موجب توسعه و تقویت منابع علمی و ذهنی ما می شود، تا همگی با یک نسل کامل رو به رو نشویم که کلاً یک نوع کمبود و کاستی در توانایی های خود داشته باشد. همچنین رویکرد مذکور این امتیاز را دارد که پاسخگوی تفاوت و نیازهای آموزشی جامعه های محلی گوناگون بوده، و به مدارس امکان می دهد که برنامه های متکی بر مبنای نیازها و امکانات محلی را طرح ریزی کنند.

انتخاب چهارم: ماهیت واقعی آموزش علوم

سرانجام، این رویکرد به ماهیت واقعی آموزش علوم می پردازد. به طوری که رویکرد آن پژوهش و جستجوگری باشد و نه گردآوری مشتکی واقعیت ها و اطلاعات عمومی.

انتخاب محتوای ارزشمند

در یک جمع بندی باید گفت:

۱- محتوای آموزش، یعنی چیزی که بچه ها واقعاً یاد می گیرند، بسیار مهم است و باید آن را به دقت انتخاب کرد.

۲- محتوا چه از لحاظ نوع دانش، و چه مهارت یا تجارب خاص یادگیری، باید در راستای پاسخگویی به مقاصد جامع و غایی آموزش مدرسه ای باشد.

۳- برنامه درس علوم از سال اول تا سال دهم، باید شامل یک مؤلفه محلی باشد. بنابراین، برنامه هر سطح، هم به مسایل محلی روز می پردازد و هم به مسایل کلی و جامع.

۴- مؤلفه «علم محلی» باید در حدود یک چهارم برنامه درسی هر سال تحصیلی را تشکیل دهد. برنامه جامع آن نیز باید از مدرسه ای به مدرسه دیگر تغییر کند.

۵- گزینش محتوا و طرح ریزی برنامه علوم مدرسه باید با همکاری معلمان مدارس ابتدایی، راهنمایی و متوسطه انجام بگیرد. همچنین اولیاء دانش آموزان و نمایندگان از بخش مشاغل و جامعه محلی نیز در آن شرکت کنند.

(خلخالی، ص ۱۷۱-۱۶۸)

برگرفته از:

خلخالی، مر تفضی. آسیب شناسی نظام برنامه ریزی درسی ایران و راهبردهای برای اصلاح آن (مقاله: به انگیزه همایش ملی مهندسی اصلاحات در آموزش و پرورش. تهران: انتشارات سوگند. خرداد ماه ۱۳۵۰. ص ۲۳۵.

برای مطالعات و بررسی های حرفه ای، یا آموختن حرف و فنون و کسب آمادگی جهت شرکت در دوره های کوتاه مدت کارآموزی آن ها باشد. بدیهی است که فهرست محتوای ارزشمند حاصل از رعایت چنین ملاک هایی از آنچه که می تواند در یک برنامه درسی گنجانیده شود، تجاوز می کند. این واقعیت برای آنگونه مولفه ها که مورد توافق همگانی است نیز صدق می کند، گرچه محتوای فهرست جامع مورد توافق همگان بسیار گسترده است.

بدیهی است که اتخاذ یک اقدام واحد و مناسب برای تمامی مدارس یک کشور، یک ایالت یا یک منطقه آموزشی ناممکن است.

رهنمودهایی برای کاهش توقع از ارزشمندی محتوا

برای کاهش دادن محتوای این فهرست، حداقل با سه نوع انتخاب زیر روبه رو می شوید:

۱- مقاصد آموزش و پرورش را محدودتر کنید. در نتیجه، ملاک های ارزشمند بودن محدودتر شده و مشخص تر می شوند.

۲- پوشش وسیع به محتوا بدهید. در این صورت، از فرصت های درگیری دانش آموزان با هر یک از اندیشه ها کاسته می شود.

۳- سرانجام بپذیرید که، با گزینش نمونه کوچک از محتوای ارزشمند، امکان بهتری برای پوشش دادن و برآورده شدن اهداف فراهم می گردد.

انتخاب اول: ترجیح دادن عمق بر پهنا

در عمل می توان گفت که فقط انتخاب سوم، با مغروضات و انتظارات مطلوب چار چوب برنامه علوم مطابقت می کند. به ظاهر این رویکرد، نوعی فرآیند ساده ترجیح دادن عمق بر پهناست. اما در حقیقت این انتخاب عملاً هم شامل عمق و هم پهنا است. تأمین آموزش در بعد پهنا، هم از طریق برقراری ارتباط با نظریه های علمی، فن آوری، جامعه و رشد فردی.

انتخاب دوم: عمق بخشیدن به آموزه ها

عمق بخشیدن به آموزه ها نیز از طریق تعهد به توسعه قابلیت ها، و توانایی ها در چارچوب فراهم نمودن زمان و فرصت های تجارب یادگیری برای دانش آموزان تأمین می شود، زیرا دانش آموزان، در این مسیر به چالش با اندیشه ها می پردازند، نقطه نظرهای خود را نسبت به جهان، مورد بازبینی و ارزشیابی قرار می دهند و یادگیری های خود را به زندگی آینده بعد از مدرسه بسط می دهند.

انتخاب سوم: در پی یک نمونه ارزشمند از دانش و مهارت ها

حال اگر قرار باشد که برنامه علوم فقط در پی یک نمونه ارزشمند از دانش و مهارت ها باشد، این نمونه

کدام نوع دانش ارزشمند تر است؟ این پرسش همیشگی و ابدی است، که برنامه ریزان درسی آن را برای تمیز «مهمتر، از مهم» مطرح می کنند. واژه ای همچون ارزشمند، یا واژه هایی مانند «مفاهیم بنیادی»، «اساسی» و یا «مناسب و مرتبط»، نیازمند ذکر ویژگی ها و شرایط تمیز دهنده است. مناسب برای چه مورد؟، بنیادی نسبت به چه چیز؟، ارزشمند بر مبنای چه ملاکی؟، و برای چه منظور و مقصدی؟

در حقیقت تمامی اینها امور نسبی هستند. نوعی دانش با ارزش بالاتر نسبت به یک گروه یا یک مقصد، ممکن است نزد دیگران از ارزش کمتری برخوردار باشد، اما عکس آن درست است. نوعی دانش وجود دارد که از هر لحاظ می توان آن را کم مایه و کم اهمیت دانست!

برخی ملاک های ارزشمند بودن

ملاک های ارزشمند بودن ممکن است شامل مقوله های زیر باشند که تا حدودی به یکدیگر وابسته بوده و مستقل از یکدیگر نیستند.

۱- گستره امکانات کاربردی دانش یا مهارت ها:

مانند قوانین علمی و نظریه ها، در مقایسه با برخی واقعیت هایی که حوزه کاربردی محدود دارند. همچنین رابطه و تعامل میان نقش ها، ویژگی ها، ساختارها و کاربردها، تفسیرها و تحلیل های منطقی، استنباط ها، استنتاج ها و قیاس ها.

۲- تأثیر و نقش دانش و مهارت ها روی زمینه های فرهنگی و تاریخی اجتماعی ما:

مانند نقش کامپیوتر، تکنیک های مهندسی ژنتیک، مکانیک نیوتونی و هندسه اقلیدسی.

۳- میزان دوام و بقای دانش و مهارت ها برای استفاده آینده:

میزان گستردگی و پوشش تأثیرات نوع دانش و مهارت، و نقش آنها در افزایش توانایی ها برای چیرگی بر مسایل زندگی (مانند سواد علمی، توانایی انجام دادن محاسبات، آموزش ایمنی، شناخت موقعیت ها و فرصت های شغلی، محیط اجتماعی، سیاسی و فیزیکی).

۴- ارزش و اهمیت علمی یادگیری:

برای مثال، پیشبرد توان حل مسایل، انجام دادن تصمیم گیری سنجیده و خردمندانه در طرح ریزی، مدیریت و اجرا چه به عنوان اقدام فردی و چه در نقش عضوی از یک گروه، که به طور مستقل یا با رویکرد همیاری با دیگران می آموزد و عمل می کند.

۵- ارزش شغلی یادگیری یا ارتباط آن با مشاغل:

این ارزش ممکن است، در ارتباط با زمینه سازی